

پشت بوم

گاهی ۱۲ از ۲۵ بیشتر می‌شود



حسین هاشم‌پور

● ۴۳ هنرمند برای اولین‌بار و ۲۸ هنرمند برای دومین‌بار آثارشان در حراج تهران ارائه شد، ۳۵ هنرمند زیر ۴۰ سال داشتند؛ همین سه مؤلفه برای متمایزشدن ششمین حراج تهران کافی است؛ اما این همه ماجرا نبود؛ ارائه ۱۱ عکس، ۲۱ مجسمه و فراوانی آثار هنر معاصر که بالطبع قیمتی بسیار پایین‌تر از آثار مدرن و کلاسیک دارند، در شاخص‌شدن میلاردی‌اش امیدی تازه در بسیاری از دل‌ها نشاند، آن‌سان که شوق‌انگیزتر از ۲۵ میلیارد پنجمین دوره که خردادماه ثبت شد ارزیابی شده است.

یک- راست می‌گویند آنها که یادآوری می‌کنند حراج تهران رویدادی خصوصی است و باید به حق انتخابش احترام گذاشت، از نامش هم پیداست که تمرکزش فروش است، هدفش و حتی سنجش موفقیتش باید فروش بیشتر باشد؛ با وجود چنین کارکردهای آشکاری، فرصت‌دادن به این تعداد چهره نوآمده ثابت می‌کند روح حراج تهران فرهنگی - اقتصادی است؛ این حراجی دوست دارد شعاع بازار هنر ایران را از چهره‌های پرازازه فراتر ببرد و به مجموعه‌داران و خریداران نام‌هایی را پیشنهاد دهد که هرگز در کلکسیون‌نی دیده نشده‌اند، این مهم فقط هنرمندان جوان را دربر نمی‌گیرد، تورق کاتالوگ حراج ششم تهران نام‌های استادان دانشگاه تهران را پیش‌رویتان قرار می‌دهد که تا به‌حال آثارشان در هیچ حراجی پیشنهاد نشده بود، اتفاقا شمار این هنرمندان آکادمیک، از انگشتان دو دست هم بیشتر است.

دو- قیمت فروش آثار برخی هنرمندان به‌خصوص جوان‌ترها در حراج ششم تهران، بیشتر از قیمت‌هایی است که در گالری‌ها می‌توان یافت، برای ادراک چنین اتفاقی، هم باید معنای حراجی را دانست و هم مانند ۸۰۰،۷۰۰ نفری که سوم دی‌ماه در هتل اسپیناس پالاس حاضر بودند، از نزدیک این حراجی را دید؛ این اتفاق بیش از آنکه خاسنگاه بازار هنری داشته باشد، معنای جامعه‌شناختی دارد و از نسل نوین خریدارانی خبر می‌دهد که دوست دارند از برند خرید کنند و certificate پرایشان اولویت دارد. رصد برخی از این مجموعه‌داران تازه نشان می‌دهد آنها به گالری‌ها و آتلیه هنرمندان مراجعه نمی‌کنند و تنها از حراجی‌های منطقه و حتی اروپا خرید می‌کنند و آگاهانه گنجینه‌ای گردهم می‌آورند که شناسنامه‌ای با ارزش خبری شهرت پشتوانه آن است؛ درعین‌حال جو هیجانی، رقابت فراینده و حس برتری جویی که در زمره خصوصیات ذاتی هر حراجی است به‌دروستی در سالن برگزاری حراج تهران شکل می‌گیرد که خود دیگر دلیل موفقیت آن است.

سه - برنده بزرگ ششمین حراج تهران، هنر ایران است که رشد خود را به لطف همت بخش خصوصی در منطقه و حتی رسانه‌های اروپایی منعکس می‌کند، کاش بی‌تال‌ها و به‌ویژه آرت‌فرها نیز بیا می‌شدند تا طنین توسعه در ساحت اقتصادی محدود نمی‌ماند. اما بازنده بقیین هنرمندان و گالری‌دارانی هستند که ملاک قیمت‌گذاری آثارشان را بر مبنای فروش در یکی، دو حراج استوار می‌کنند و در تب قیمت‌های هیجانی حراج گرفتار می‌مانند.

گالری‌گردی

«آهنین‌جانان» در گالری هپتا

● نمایشگاه «آهنین‌جانان» مجموعه‌ای از چقاشی‌های کاوه یار، روز جمعه، دهم دی در گالری هپتا گشایش یافت. چقاشی، ترکیب واژگان چکش و نقاشی است که بر روش و نوع کار متفاوت کاوه یاری دلالت دارند؛ کارهای او نقاشی‌هایی است که با چکش و دیگر ابزارهای رز فلز شکل گرفته‌اند. در استیمیتت این نمایشگاه چنین آمده است: «چرخه تولید و استفاده و زوال؛ راز این چرخه؛ و بازتولید و بهره‌مندی و زوالی دیگر. گویی هر تولیدی برای زوال شکل گرفته است. گویی سنتز نهایی زوال است. اما کاوه در برابر این سنتز می‌ایستد. برای او زوال آنچه زمانی ابژه شوکهمندی بوده است، یا متعلق شناخت انسانی ما قرار گرفته، نابخشوندنی است. او چکش می‌زند و می‌جنگد. چقاشی می‌کند و می‌ایستد، تا «آهنین‌جانان» تن‌آور گردند و کنار او بایستند». رضا کیانیان درباره نمایشگاه چنین نوشته بود: «تأثر کاوه صورت‌هایی هستند که به ما خیره مانده‌اند، همین نگاه است که ما را به گذشته‌هایی قبل از ما و قبل از تاریخ... همان زمان‌ها که استلی کوپریک استخوانش را به آسمان پرتاب کرد و در آسمان می‌چرخید و هنوز به شکل سفینه به‌سوی ما بازنگشته بود، می‌پرد؛ اما خودش معتقد است؛ ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که آدم‌ها را با نقش صورت‌نشان می‌شناسیم نه اندامشان. آدم‌ها با اشکال مختلف ذهنیاتشان متفاوت‌اند و بیننده باید درک درستی از این داشته باشد؛ شاید آنچه که من به آن رسیدم، دیگران خیلی بهتر به آن برسند...». نمایشگاه «آهنین‌جانان» از جمعه، دهم دی تا چهارشنبه ۱۵ دی، هرروز در گالری هپتا برقرار است. گالری هپتا در خیابان کریمخان‌زند، خیابان ایرانشهر، ضلع غربی پارک هنرمندان، نبست نیکوشهر، شماره سه، طبقه همکف واقع شده است.

هنر

اختلافات فیلم «قاتل اهلی» ختم به خیر شد

کیمیایی: مشکلات دوستانه حل شد

فرانک آرتا



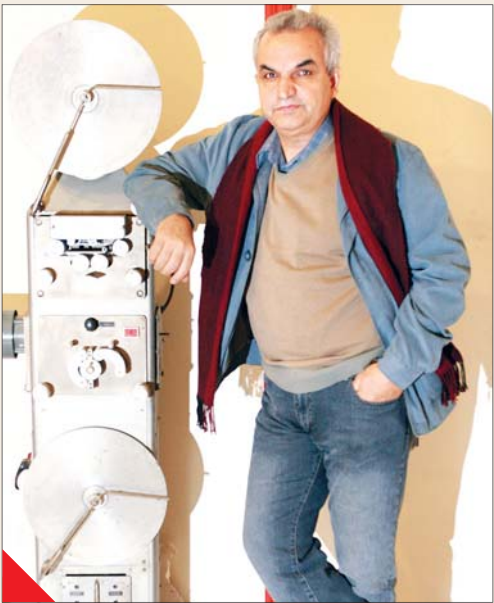
فیلم باید تمام شود، این فیلم الان زخمی است... خون آلود است». حالا خبر رسیده که خوشبختانه فیلمش دل‌آزرده شد. او همچنین دراین‌باره توضیح داد: «خیلی‌ها به من گفتند فیلمت را بساز، روز مثلا قبل از انقلاب می‌گفتی من از شمر پول می‌گیرم برای حسین (ع) فیلم می‌سازم، اما به نظرم معادلات سینما تغییر کرده و حقیقتش این است که حدس نمی‌زدم تهیه‌کننده فیلم چنین کاری انجام دهد. چیزی که مشخص است این است که از نظر من، «قاتل اهلی» هنوز تمام نشده و پلان‌هایی باقی مانده است که باید فیلم‌برداری شوند.

فیلم باید تمام شود، این فیلم الان زخمی است...

توانمند لحظات حسی سینمای ایران از آماده‌نشدن فیلمش دل‌آزرده شد. او همچنین دراین‌باره توضیح داد: «خیلی‌ها به من گفتند فیلمت را بساز، روز مثلا قبل از انقلاب می‌گفتی من از شمر پول می‌گیرم برای حسین (ع) فیلم می‌سازم، اما به نظرم معادلات سینما تغییر کرده و حقیقتش این است که حدس نمی‌زدم تهیه‌کننده فیلم چنین کاری انجام دهد. چیزی که مشخص است این است که از نظر من، «قاتل اهلی» هنوز تمام نشده و پلان‌هایی باقی مانده است که باید فیلم‌برداری شوند تا فیلم

گفت‌وگو با ابوالحسن داوودی

جامعه به فضای طنز نیاز دارد



داشتید، چه‌چیزی باعث شد در این سال‌ها کمتر به ساخت فیلم کم‌دی فکر کنید؟

قبلا هم اشاره کردم که سینما برای من فراتر از یک حرفه، یک علاقه، عشق و یهنوعی وسیله ابراز بیان است و برایم مهم است که در چه موقعیت با حس‌وحالی فیلم می‌سازم، شخصا در سال‌های گذشته احساس می‌کردم در شرایط روحی‌ای نیستم که فیلم کم‌دی بسازم. سال‌ها یکی از مهم‌ترین فیلم‌هایم، «زادبوم»، بر اثر یک‌جور داندگاری در محاق توقیف ماند و مواجه‌شدن با چنین اتفاقی خودبه‌خود تأثیرش را در روند کارم گذاشت. در این شرایط حس‌وحالی برای ساخت فیلم کم‌دی نداشتم. این شرایط دقیقا شبیه این است که به‌عنوان مثال من، فرزندم در جایی گروهان باشد و با اینکه تمام فکر و ذهنم پیش اوست، اصرار داشته باشم که شاد باشم و بخندم...! قطعاً این امکان‌پذیر نیست، اگر هم به‌زور اتفاق بیفتد، حاصلش محصول جذابی از کار درخواهد آمد. یکی از دلایل عمده اینکه فیلم کم‌دی نساختم، این مورد بود و خوشبختانه با اتفاقی که برای «زادبوم» دارد می‌افتد و گره‌گشایی‌ای که از این فیلم شد، این فضا هم برای من به وجود آمد که به سینمای کم‌دی برگردم و دیگر اینکه فکر می‌کنم در شرایط حاضر که فضای جامعه این‌قدر تلخ شده، نیاز است لحن بیان را عوض کنیم

محفل واقعی آقا و خانم کمالیان

او معاون وزیر بهداشت هم شد، در منزلش محفل بسیار مهمی از موسیقی‌دان‌های ایرانی را جمع کرد، آرشپویست اعلامی بود که بسیاری از هنرمندان کامل جلو میکروفون او نواختند و برای مثال ردیف کامل می‌گفت در کلاس قصه‌نویسی‌ای شرکت می‌کرده که مدتی جایی برای تشکیل نداشت، و به‌قدری صدای قهوه‌ساز اسپرسو بلند بوده که همه یاد گرفته بودند به‌قدری جذاب بنویسند که شوندشان را جذب کنند.

جایی دیگر از میهمانی خانه جانی‌کش خواندم که کورت وونه‌گات، خانواده‌کش، خانواده کارتر، آلن گینزبرگ، باب دیلن، شل سیلوراستاین و دیگران کارهایشان را برای همدیگر می‌خواندند یا ساز می‌زدند و می‌خواندند. منظورم این است که محفل واقعی، محل واقعی ارائه هنر واقعی از طرف هنرمند واقعی برای مخاطب واقعی‌اش است. مرحوم کمالیان، هردو مرحوم کمالیان، این فضا را برای فرهنگ ایران پدید آوردند. روانشان شاد.

سینما مسائل را بررسی کردند و در نتیجه منجر به این شد که صحنه‌های باقی‌مانده را فیلم‌برداری کنیم». او در برابر این سؤال که «در خبرها آمده که تهیه‌کننده ناچار به تمکین حکم حکمیت شده، آیا نادرست است»، گفت: «همان‌گونه که گفتم، مسائل دوستانه پیش رفت. آقای لشکری‌قوچانی هم فرار است دوباره وسایل را اجاره کنند تا صحنه‌های دوتا از لوکیشن‌های واقع در تهران و پلان‌های مربوط به پاساژ را فیلم‌برداری کنند. امیدوارم زودتر هم این صحنه‌ها گرفته و فیلم به دبیرخانه جشنواره سپرده شود». کارگردان «قاتل اهلی» درباره بازیگران فیلم نیز گفت: «صحنه‌های آقای پرستویی به پایان رسیده و فقط برخی از صحنه‌های مربوط به بازیگران جوان فیلم همچون پنگاه آهن‌گرانی، پولاد کیمیایی و امیر جدیدی باقی مانده است». در پایان از او می‌پرسم که «حالا قاتل اهلی دیگر زخمی نیست؟» که با خنده جواب داد: «نه دیگر...»

داریم او را پانسمان می‌کنیم!

برایم جالب بود که درباره فیلم بیشتر از او پرسیم، اما وقت کم بود و باید می‌رفت. یاد سؤالانم از او افتادم که پرسیده بودیم: «ظاهرا «قاتل اهلی» سیاسی‌ترین کار شماست، همین‌طور است؟» و پاسخش شنیدنی بود: «من فیلم خودم را ساختم، نه، سیاسی نیست... حتی من شنیدم خیلی‌ها می‌گویند این فیلم تند است و به بسیاری از شخصیت‌های سیاسی پرداخته است؛ درصورتی‌که این‌طور نیست». حالا باید منتظر ماند و فیلم را دید تا درباره آن بهتر قضاوت کنیم.

زیر آسمان فیروزهای

رکوردی دیگر برای لیلی گلستان



● ایران آرت: «بیگانه»، رمان معروف آلبر کامو، با ترجمه لیلی گلستان در نشر مرکز به چاپ بیستم رسید. این اتفاقی مبارک در روزگاری است که تیراژ کتاب‌ها چندصدنسخه‌ای است و کمتر و به چاپ‌های متعدد هم نمی‌رسند. «بیگانه»، مشهورترین رمان آلبر کامو، نویسنده فرانسوی، است که در سال ۱۹۴۲ منتشر شد و از آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آثار داستانی فلسفه اگزیستانسیالیسم یاد می‌کنند. لیلی گلستان، پیش از این برخی ترجمه‌های منتشرشده در رمان «بیگانه» را نوعی کپی‌برداری از ترجمه‌های مطرح و کتاب‌سازی عنوان کرده و گفته بود: تا جایی که اطلاع دارم، تاکنون ۱۱ نفر این اثر را به فارسی ترجمه کرده‌اند که برخی از آنها مترجمان شناخته‌شده هستند و بقیه نه. به نظر می‌آید مترجمان ناشناخته از روی دست دیگران کپی کرده و کتاب‌سازی کرده‌اند و تا زمانی که کپی‌رایت در کشور رعایت نشود، شاهد چنین وضعیتی خواهیم بود. لیلی گلستان همچنین درباره شخصیت اصلی این کتاب، «مرسو» می‌گوید: از آنجایی که حرکت او در چارچوب قراردادهای اجتماعی نیست و قواعد بازی متفاوتی نسبت به ما دارد، برایمان به یک بیگانه تبدیل می‌شود. مرسو دروغ نمی‌گوید و نسبت به حوادث اطرافش واکنش نشان نمی‌دهد. تکلیف مخاطب با شخصیت داستانش «بیگانه» به‌نوعی در رفت‌وآمد است و نمی‌دانیم دوستش داشته باشیم یا نه. این کتاب را می‌توانید از نشر مرکز و فروشگاه‌های معتبر کتاب تهیه کنید.

روایتی نواز داستان‌های کهن در نمایشگاه «عهد عمیق»

● مریم درویش: نمایشگاه نقاشی‌های نارنج کاظمی با نام «عهد عمیق» در گالری ایوان افتتاح شد. نارنج کاظمی در نخستین نمایشگاه انفرادی خود ۱۳ اثر را که با تکنیک اکریلیک روی بوم خلق شده‌اند به نمایش گذاشته است. او در این تابلوها با تأمل در نقوش فرش ایرانی به تصویرسازی یک داستان یا روایتی ادبی پرداخته است. آنچه در اولین نگاه به تابلوها دیده می‌شود، نقوش گلیم یا جاجیم است که روی بوم نقاشی شده‌اند، اما با کمی دقت در طرح‌های شلوغ و به‌هم‌پیوسته می‌توان فیکورها یا جملاتی را دید که داستانی را روایت می‌کنند یا مفهومی را انتقال می‌دهند. کاظمی در این آثار با استفاده از طرح‌هایی که در طول سال‌ها تکرار شده و سپس جذابیت خود را از دست داده‌اند، تصاویری متفاوت به وجود آورده و این نقوش را بار دیگر از منظر زیبایی‌شناسی بررسی کرده است. این هنرمند جوان درباره نحوه شکل‌گیری مجموعه «عهد عمیق» گفت: در کارهای قبلی خود به دلیل علاقه‌ای که به عرفان و اشعار مولانا داشتم، آثار کالیگرافی را به وجود آوردم که در آنها تلاش کردم شعر مولانا را از حالت سنگین و ستنی آن خارج کنم و با ایجاد ظاهری فانتزی و امروزی، شکل ملموس‌تری به آن بدهم تا همه مخاطبان بتوانند با آن اشعار ارتباط بگیرند. کم‌کم این روند برایم جدی‌تر شد و تصمیم گرفتم به سراغ چیزهایی بروم که در حال فراموشی یا پوسیدگی هستند. کاظمی ادامه داد: به سمت داستان‌های قدیمی که به فراموشی سپرده شده‌اند و نقوش قالی که دیگر استفاده نمی‌شوند رفتم و از آنها در کارم استفاده کردم. نگاه فانتزی من به تکنیکی و پوسیدگی آنها کم‌کم دید زیبایی‌شناسانه پیدا کرد تا نشان دهم چیزی که در حال ازبین‌رفتن است الزاما زشت نیست، بلکه اگر نگاه دقیقی به آن شود، زیبایی‌های آن آشکار می‌شود. نمایشگاه «عهد عمیق» ۱۰ تا ۲۴ دی‌ماه ۱۳۹۵ در گالری ایوان به آدرس الهیه، خیابان مهدیه، خیابان جبهه، کوچه لسانی، نب‌بست حمید، شماره یک برقرار است و علاقه‌مندان می‌توانند هرروز به‌جز شنبه‌ها از ساعت ۱۶ تا ۲۰ از این آثار دیدن کنند.

موضوعات جنجالی در یک برنامه جوانانه

● شرق: برنامه ترکیبی «دین‌دات‌آز» با نگاهی جدید به موضوعات اجتماعی با رویکرد دینی با حضور کارشناسان برجسته رسانه و دین، آماده پخش از شبکه سوم سیما شد. سیدمجتبی طباطبایی، تهیه‌کننده برنامه، درباره «دین‌دات‌آز» گفت: «این برنامه به دنبال طرح موضوعات اجتماعی با رویکرد دینی و پاسخ به شبهات و سؤالاتی است که همواره در بطن جامعه به‌خصوص در ذهن جوانان پیرامون دین وجود داشته و در رسانه‌ها کمتر به آنها پرداخته شده است. می‌خواهیم با قالبی جدید در برنامه‌سازی، به دین و سؤالات پیرامون آن بپردازیم و سعی کرده‌ایم برای این برنامه از امکان فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برای ارتباط‌گیری هرچه‌بیشتر و بهتر با مخاطبان جوان حاضر در این فضاها استفاده کنیم». تهیه‌کننده «دین‌دات‌آز» درباره قالب برنامه تصریح کرد: «دین‌دات‌آز» یک برنامه ترکیبی است که نقطه سر خط، قاب خاص، حرفه‌ای، اشاره، تخته‌سیاه، رو به دوربین، کلاکت، وگ‌برد، کتاب‌کردی، مدارسته و طرح بحث یا کارشناس دین و به‌شماره از بخش‌های مختلف آن بوده و موضوعاتی نظیر بی‌تفاوتی اجتماعی، بانکداری، شادی، موسیقی، روابط دختر و پسر، ازدواج، برابری زن و مرد، خشونت و... موضوعات قسمت‌های ابتدایی برنامه است. «دین‌دات‌آز»، تازرتین محصول سازمان هنری، رسانه‌ای اوج است.